

روش‌شناسی شرح خطبه الغراء از دیدگاه ابن میثم، علامه جعفری و مکارم شیرازی

اقدس منصوری

چکیده

دستیابی به معارف غنی نهج‌البلاغه علوی، مرهون شناخت دقیق این کتاب بر اساس آثاری است که درزمینه‌ی شکل، ساختار و تبیین معانی آن ارائه شده است. کتاب نهج‌البلاغه از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که مورد تأیید و توجه تمامی مسلمانان است و به دلیل اهمیت آن، مشروحی از علمای اهل سنت و تشیع بر تمامی کتاب و یا بر بعضی از آن نوشته شده و به هر دو زبان فارسی و عربی چاپ گردیده است. از این شروح می‌توان به شرح ابن میثم، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه علامه جعفری و پیام امام مکارم شیرازی اشاره نمود. هرکدام از این ۳ شارح با رویکردهای مختلف به شرح نهج‌البلاغه پرداخته‌اند. در این مقاله به بررسی تطبیقی خطبه الغراء، یکی از مهم‌ترین خطبه‌های نهج‌البلاغه از دیدگاه این شارحان پرداخته شده است. با مقایسه بین شروح می‌توان به نقاط ضعف و قوت آن‌ها پی برد. وجه تمایز این مقاله، دستیابی به محورهای اصلی و مورد نظر شارحان در خطبه الغراء و منابع مورد استفاده آنان است.

کلیدواژه‌ها: خطبه الغراء، شرح خطبه الغراء، ابن میثم، علامه جعفری، مکارم شیرازی

مقدمه

نهج‌البلاغه پس از قرآن کریم، در رفیع‌ترین جایگاه متون دینی در نزد شیعیان قرار دارد. همین موضوع، اهمیت شرح و تبیین مقصود امیرالمؤمنین، علی علیه السلام را در این کتاب آشکار می‌سازد. روشن نمودن اهداف بلند آن حضرت، تنها در گرو توانائی‌های گوناگون هریک از شارحان کلام ایشان است. بدیهی است استفاده از هرزبانی، محتاج به فهم کامل آن زبان اعم از قالب، اصطلاحات، محتوا و ... است. برای اطلاع از نهج‌البلاغه، آگاهی از ادبیات عرب تا سطوح بالا (معانی، بیان، بدیع و...) ضرورت دارد. طبیعی است که آگاهی از ادبیات عرب، مقدمه ورود به نهج‌البلاغه است و محقق می‌تواند بداند که امام چه گفته و چه نوشته است؛ اما برای فهم کامل آن به شناخت دقیق تاریخ صدر اسلام، جامعه‌شناسی اسلام و جوامع اسلامی در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام، شناخت اندیشه و فرهنگ روحی، روانی قبایل مختلف عرب در عصر امیرالمؤمنین، اصول اعتقادات و مبانی فکری مسلمین، آشنایی با فقه اسلامی، شناخت اندیشه عرفانی عهد امام، اقتصاد جامعه و مردم در زمان آن حضرت، اندیشه سیاسی

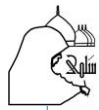


و نحوه حکومت و ... نیاز است و بدون اطلاع از مسائل یادشده و موارد دیگر نمی‌توان از سرّ و رمز بیان خدای سخن واقف شد. لذا هرکدام از شارحان نهج‌البلاغه در پاره‌ای از موارد و یا بعضاً در یک بعد، دارای تخصص و اطلاعات کافی بوده و با بینش قوی و درخور توجه به سراغ این کتاب شریف رفته‌اند. طبعاً شناخت شروح نهج‌البلاغه و نحوه استفاده از آن‌ها کمک شایانی به فهم دقیق اندیشه امام می‌نماید.

معرفی شارحان (ابن میثم بحرانی، علامه جعفری، مکارم شیرازی)

مؤلف، میثم بن علی بن میثم ملقب به «کمال‌الدین»، «مفیدالدین» و «عالم ربانی» است. وی در سال ۶۳۶ هجری قمری در بحرین به دنیا آمد و رشد و نمو کرد و در دامان علم و فقه پرورش یافت. در نزد پدرش به تحصیل پرداخت و علوم لغت، صرف و نحو، آداب و فنون خطابه را فراگرفت و به درجه و مقام بلندی در علم صرف و نحو، بلاغت و علم منطق رسید. (سلیمان بن عبدالله البحرانی، ۴۰۶ هـ ق، ج ۱، ص ۳۵) وی در نزد بزرگان علم و دانش، کسب فیض نمود. دانشمندانی نظیر محقق حلی، صاحب شرایع، اسعد بن عبدالقاهر بن اسعد اصفهانی، کمال‌الدین علی بن سلیمان بحرانی، صاحب کتاب‌الاشارات (ابن میثم، ۱۴۲۰ هـ ق، ج ۱، ص ۲۵) وی در کلام شاگرد خواجه‌نصیرالدین طوسی بوده است و بین آن دو رابطه دوجانبه استادی و شاگردی برقرار بوده است، خواجه نیز از او فقه می‌آموخته است (محمدباقر خوانساری، ۱۴۱۱ هـ ق؛ سلیمان بن عبدالله البحرانی، ۱۴۰۶ هـ ق، ج ۱، ص ۴۷) نخبگان بسیاری از وی بهره علمی برده و نقل روایت کرده‌اند. کسانی چون علامه حلی، حسین بن حماد بن ابی‌الخیر لیشی واسطی زاهد معروف، عبدالکریم احمد بن طاوس (ابن میثم، ۱۴۲۰ هـ ق، ج ۱، ص ۲۵)

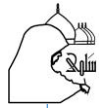
شرح او بر نهج‌البلاغه از ویژگی‌هایی برخوردار است که آن را از بسیاری شروح دیگر متمایز می‌گرداند. وی اصولی مسلک است و در روش خود از اصول پیروی می‌کند و اعتدال‌گرایی در اندیشه وی مشهود است. وی جامع علوم عصر خود بوده و در زمینه‌ی کلام، فلسفه، فقه، اصول و تاریخ و ... صاحب‌نظر بوده است. از وی دو شرح بر کتاب نهج‌البلاغه به یادگار مانده است: شرح کبیر و شرح صغیر، البته برخی بر آن هستند که وی سه شرح بر نهج‌البلاغه نگاشته؛ اما با توجه به گفتار شیخ آقابزرگ تهرانی در الذریعه، چنین به نظر می‌رسد که وی، شرح سومی به‌طور کامل بر نهج‌البلاغه نداشته و احتمالاً شرح شماری از کلمات قصار نهج‌البلاغه توسط وی که نام شرح المائه کلمه، به چاپ رسیده است، شرح سوم او بر نهج‌البلاغه به شمار رفته است. وی در سال ۶۷۹ هـ ق در بحرین وفات یافت (محمدمحسن آقابزرگ



تهرانی، ۱۳۸۴ هـ ق ج ۱۴، ص ۱۵۰-۱۴۹) وی در کتاب‌های رجانی این‌گونه معرفی شده که وی از اکابر علمای امامیه، فقیه، محدث، فاضل، حکیم، متأله، فیلسوف، متکلم مدقق، جامع معقول و منقول و آگاه به اسرار عرفانی (محمدعلی مدرس تبریزی، ۱۳۶۹ هـ ش، ج ۸، ص ۲۴۰)

علامه محمدتقی جعفری، در سال ۱۳۰۴ هـ ش در شهر تبریز متولد شد و بعد از تحصیلات عالی علوم اسلامی در شهر تبریز، تهران، قم و نجف اشرف در محضر آیات عظام، میرزا فتاح شهیدی، شیخ محمدرضا تنکابنی، شیخ کاظم شیرازی، سید ابوالقاسم خوئی و سید محسن حکیم کسب فیض نمود. بیش از هشتاد اثر از او به طبع رسیده است و از آثار برجسته ایشان ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه می‌باشد که ۲۷ جلد آن به زبان فارسی چاپ و منتشر گردیده است. دیگر اثر نفیس وی در زمینه‌ی بررسی و مقایسه افکار مولانا با فلسفه‌ها و جهان‌بینی‌های شرق و غرب می‌باشد که تحت عنوان مولوی و جهانی بینی‌ها چاپ شده است. وی عمری را به بررسی آراء و اندیشه‌های متفکران و فیلسوفان و عارفان شرق و غرب گذرانده و ده‌ها اثر ارزشمند را پدیدآورده بود با توجه به مطالعات گسترده که علامه در آثار اندیشمندان غربی داشته در تفسیر کلام علی علیه السلام این آگاهی نمود بارز پیدا کرده، به‌گونه‌ای که بسیاری از مطالب و موضوعات گوناگون عبارات نهج‌البلاغه توسط آراء این متفکران مورد بررسی و تبیین قرار گرفته؛ کاری که در سایر تفاسیر نهج‌البلاغه، شاید نتوان مشاهده کرد؛ به‌عبارت‌دیگر نظریات جدید علمی در غرب پیرامون مباحث گوناگون اجتماعی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و ... را با تعبیر گوناگون در تفسیر علامه به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد. علامه با بکارگیری معیار عقل و منطق صحت و سقم آن‌ها را بدون هیچ‌گونه جانب‌داری مشخص کرده و آراء صواب را تأیید و ناصواب را رد می‌نماید. وی همچنین در زمینه‌ی فقه، اصول، فلسفه و بسیاری علوم دیگر صاحب‌نظر بود به‌طوری‌که آن را در اثر ارزشمند خود یعنی ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه منعکس نمود که متأسفانه ناتمام ماند. ایشان در سال ۱۳۷۷ هـ ش چشم از جهان فرو بست. (سایت بیتوته www.beytoote.com)

ناصر مکارم شیرازی در سال ۱۳۴۵ هـ ش در شهر شیراز در میان یک خانواده مذهبی به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در شیراز به پایان رسانید. در ۱۴ سالگی به‌طور رسمی، دروس دینی را آغاز کرد و در زمینه‌ی علوم صرف، نحو، منطق، بیان و بدیع، نیاز خود را تأمین نمود؛ سپس توجه خود راه فقه و اصول معطوف ساخت به‌طوری‌که در سن ۱۸ سالگی، حاشیه‌ای بر کفایة‌الاصول آخوند خراسانی نوشت. در سال ۱۳۶۹ هـ ق وارد حوزه علمیه نجف گردید و در سن ۲۴ سالگی نائل به اخذ اجازه اجتهاد مطلق شد. از اساتید ایشان می‌توان به آیت‌الله



بروجردی، محسن حکیم، ابوالقاسم خوئی و عبدالهادی شیرازی اشاره نمود. از ایشان تاکنون حدود یکصد و سی جلد کتاب به چاپ رسیده است. شرح نهج البلاغه ایشان از آثار وی با نثری روان با عنوان پیام امام و همکاری گروهی صورت گرفته و مخاطبان زیادی را به خود جلب نموده است. (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مکارم شیرازی، makarem.ir)

روش‌شناسی شارحان نهج البلاغه (ابن میثم، علامه جعفری، مکارم شیرازی)

شرح ابن میثم، از جهت توجه به معانی جملات و بحث‌های فلسفی، کلامی دارای اهمیت است. در ابتدای شرح، مقدمه‌ی گسترده‌ای به بازگویی قواعد ادبی و ویژگی‌های الفاظ، اختصاص دارد. خصوصیات لفظ، مفرد، مرکب، استعاره، تشبیه و نیز تعریف خطابه و فواید آن و ... همگی از مباحث ابتدایی وی می‌باشد که خوانندگان پیش از ورود به نهج البلاغه با آن آشنا می‌شوند. با توجه به اینکه نهج البلاغه، مشحون از مباحث اعتقادی بوده و او نیز متکلمی زبردست می‌باشد به بحث‌های کلامی پرداخته است. کوشش ابن میثم بر آن بوده که علت و زمینه صدور خطبه‌ها و نامه‌ها را در حد ممکن بیاورد و فضای سخنان امام را نشان دهد. استناد او به آیات قرآن در دیگر شروح نیز، مرسوم بوده، تلاش او بر آن است که مبنای سخنان امام را از آیات قرآن بیابد و سخنان حضرت را که برگرفته از وحی است، نشان بدهد. او پیش از شرح، واژگان دشوار را معنا می‌کند و چنانچه به قواعد صرف و نحو و یا معانی و بیان نیازی باشد، آن را توضیح می‌دهد. (احمد غلامعلی، ۱۳۸۹ ه. ش، ص ۱۱۷) برخی مانند علامه شوشتری، صاحب نهج البلاغه بر شرح او ایراد گرفته و اطلاع اندک او در تاریخ را به‌عنوان خطا در مسائل تاریخی قلمداد می‌کند که البته این نکته نمی‌تواند به‌عنوان ضعف و ایراد مطرح شود. (محمدتقی شوشتری، ۱۳۷۶ ه. ق، ج ۱، ص ۲۶-۲۵)

ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، اثر علامه جعفری نیز دارای ویژگی‌هایی است که در موارد ذیل خلاصه می‌گردد:

تحلیل شخصیت امام علی علیه السلام که در جلد اول این کتاب به معرفی شخصیت بی‌همتای امام پرداخته است. وی هر خطبه را بعد از آنکه به‌طور کامل نقل می‌کند، ترجمه‌ای مفهومی به همراه جلوه‌های زیبای متن ارائه می‌دهد. در این کتاب، سعی بر آن است که رابطه قرآن و نهج البلاغه، با بیان شواهدی از آیات قرآن و اشاراتی که کلام امیر به آیات قرآن دارد، کاملاً مشخص شود. وی با علوم گوناگون آشنایی داشت و معتقد بود که از منابع اسلامی و نیز



تحقیقات متفکران خارجی بهره برد تا زیربنای فرهنگی و اجتماعی از سخنان امیر مؤمنان استخراج شود. (فصلنامه نهج البلاغه، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۰ هـ ش)

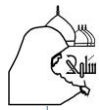
علامه، شرح خود را برخلاف شرح‌های دیگرش به زبان فارسی با رویکرد فلسفی نوشته و در مواردی برای فهم بهتر از اشعار بهره می‌برد و در شعر فارسی در موارد متعددی به مثنوی مولوی استناد می‌کند. (احمد غلامعلی، ۱۳۸۹ هـ ش، ص ۱۲۳)

پیام امام، شرح نهج البلاغه اثر مکارم شیرازی است. سابقه تفسیری مؤلف سبب شده است تا رابطه قسمت‌های مختلف نهج البلاغه با قرآن به خوبی تبیین شود و در موارد گوناگون، اشاره جمله‌ای از نهج البلاغه را به آیات قرآن روشن می‌سازد. خطبه‌ها در این کتاب به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم شده تا هر بخش، جداگانه ترجمه و بررسی شود. وی در ابتدای هر خطبه با عنوان «خطبه در یک نگاه» تصویری کلی از خطبه ارائه می‌دهد که چشم‌اندازی زیبا از خطبه است. در پایان هر بخش از خطبه‌ها، نکاتی که به صورت پیام از خطبه فهمیده می‌شود، به گونه‌ای منظم ارائه شده است. نکات ادبی و صرف و نحو در پاورقی‌ها آمده و خوانند، متن شرح را کاملاً همگون می‌یابد و چنانچه به نکات ادبی علاقه‌مند باشد، واژه‌ها را در پاورقی مطالعه می‌کند.

معرفی خطبه الغراء

خطبه غراء یا درخشان، به لحاظ بلاغت، تعجب‌انگیزی الفاظ و بلندی معنا و مفاهیم، به این نام خوانده می‌شود. در شأن نزول آن آمده است، زمانی که حضرت علی علیه السلام جنازه مسلمانی را تشییع کردند و او را در قبر گذاشتند، بازماندگانش صدا به ناله و شیون بلند کرده و گریستند، امام فرمود: به خدا سوگند، اگر این‌ها، آنچه را آن میت مشاهده می‌کند، ببینند، گریه بر او را فراموش خواهند کرد. به خدا قسم،

آورده است. همچنین آمدی و ابونعیم اصفهانی و ابن اثیر، در کتاب‌های خود، بخش‌هایی از آن را آورده‌اند. به‌رحال این خطبه، مشهورتر از آن است که نیازی به بررسی اسناد داشته باشد (عبدالزهره حسینی خطیب، ج ۲، ص ۱۰۷)



رویکرد ابن میثم در این خطبه، بیشتر ادبی بوده و مباحث فلسفی را نیز به تناسب بیان می‌کند. با توجه به بلاغت این خطبه، نکات بلاغی فراوانی از آن به دست می‌آید که در این شرح به آن پرداخته شده است.

علامه جعفری، با رویکرد فلسفی، به تفسیر این خطبه پرداخته است و با توضیحات بسیار گسترده و استفاده از اقوال فیلسوفان که در رابطه با انسان مطرح گردیده آن را تبیین می‌نماید. مکارم شیرازی، تفسیری ساده و روان از خطبه ارائه داده است این شرح بر اساس نیاز مخاطبان امروزی نهج البلاغه می‌باشد.

میزان استفاده شارحان از منابع نقلی، ادبی

ابن میثم در این خطبه، به بیان ۱۱۴ واژه پرداخته است. از ۲۲ آیه برای شاهد بر مطلب استفاده کرده و در مجموع از ۷ حدیث بهره برده که پنج حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یک حدیث از امام صادق علیه السلام و یک حدیث نیز از امام حسن عسکری علیه السلام است. استفاده او از شعر به ندرت و در یک مورد است که در رابطه با نفس از بوعلی نقل نموده، وی در جای دیگر نیز به قول بوعلی در کتاب شفا راجع به معاد و رساله طیر راجع به نفس، استناد نموده است.

علامه جعفری در این خطبه، واژه‌ای را معنا نکرده و از آیات به تعداد ۱۹۵ آیه در موضوعات مختلف همچون انسان و معاد و... استفاده نموده، از احادیث به تعداد ۹۱ مورد و از شعر نیز به میزان ۵۳۱ بیت بهره برده است که بیشتر این اشعار فارسی بوده و از شاعرانی همچون مولوی، حافظ، عطار، صائب تبریزی، غزنوی، حکیم سنائی، ناصر خسرو، سعدی و ... می‌باشد که البته میزان استفاده از اشعار مولانا بیشتر است. از اشعار عربی در برخی موارد از شاعرانی همچون ابوالعتابه، خلیل جبران، طغرانی استفاده نموده است. ایشان از اقوال فلاسفه غرب و مسلمان و کتب آن‌ها بر شاهد مطلب نظیر آورده است از این فلاسفه می‌توان به افراد ذیل اشاره نمود: پنهاور، وایتعهد، ارسطو، ژان پل سارتر، امیل دورکیم، توماس هابس، ماکیاولی، فردریک نیچه، زینون، هویگنس، نرون، فروید، فارابی، غزالی، ملاصدرا، ابن سینا و



مکارم شیرازی نیز در پیام امام در شرح این خطبه به تبیین معنای ۱۶۵ واژه پرداخته و در تأیید مطلب از ۴۶ آیه و ۱۹ حدیث استفاده کرده است. وی از ۳۶ بیت شعر نیز بهره برده که ۲۳ بیت آن به زبان فارسی از شاعرانی همچون حافظ و شهریار و ۳ بیت شعر عربی از شاعرانی چون العبدی و اشعار منسوب به علی می‌باشد. منابع لغوی مورد استفاده ایشان مفردات راغب اصفهانی، معجم مقاییس‌اللغه ابن فارس و در برخی موارد از ابن میثم می‌باشد. در برخی موارد به نقل داستان از مروج‌الذهب مسعودی، تاریخ بغدادی پرداخته و از شرح ابن ابی‌الحدید، بحارالانوار، بهج‌الصبا، منهاج‌البراعه در بعضی اوقات مدد گرفته است.

تأثیر روش شارحان در وصول به مقصد خطبه

خطبه غراء در شرح ابن میثم هشتادمین خطبه بوده و در ۹ محور تنظیم گشته است. در بخش اول خطبه، به صفات خداوند اشاره شده است. ابن میثم در این بخش مانند بخش‌های دیگر به بیان معانی برخی لغات پرداخته و بعد از آن به بررسی فلسفی صفات خداوند می‌پردازد؛ از جمله اینکه علو مرتبه بودن خداوند، یعنی برترین معقول بودن و نزدیکی او به اشیاء، نزدیکی مکانی نبوده و امری اعتباری است و تمام نعمت‌ها چه وجودی و چه عدمی از مبدأ آن جود و رحمت خداوندی است. برای تأیید مطلب از آیه قرآن بهره می‌برد. (ابن میثم، ۱۴۲۰ هـ ق، ج ۲، ص ۲۳۷) در برخی موارد با بیان نقش و اعراب کلمه، معنا را تبیین می‌نماید. مانند «أَو من أُولاً بادياً» که هر دو حال و منصوب‌اند. (ابن میثم، ۱۴۲۰ هـ ق، ج ۲، ص ۲۳۸) وی در بخش‌های دیگر نیز به همین ترتیب عمل نموده یعنی در هر بخش از خطبه، بعد از بیان معانی مفردات، مفهوم کلی از آن بخش گرفته و بعد آن‌ها را در محورهایی با ذکر شماره بیان نموده است. در ضمن توضیحات و تفسیر پیرامون خطبه که صبعه فلسفی دارد نکات بلاغی را مطرح می‌نماید به‌عنوان مثال در قول حضرت «وَأَلْجَمَ الْعِرْقَ وَ عَظْمَ الشَّفَقِ» می‌گوید: لفظ عرق، استعاره به‌کاررفته و کنایه از نهایت رنج و سختی است که نفس انسان‌ها بر اثر جدایی از زن و فرزند، هیبت خداوند و نامأنوس بودن جهان آخرت درمی‌یابد. (ابن میثم، ۱۴۲۰ هـ ق، ج ۲، ص ۲۵۰) درزمینه‌ی توصیف انسان، صفات را در ۱۳ محور موردبحث قرار می‌دهد. در وصیت به تقوایی که انسان‌ها را به آن دعوت می‌کند در ۱۱ مورد بیان می‌کند. مانند تقوای کسی که با شنیدن حق، خشوع پیدا می‌کند، کسی که به گنه‌کاری خود اعتراف می‌کند، از کیفر خداوند پرهیز دارد و ... در بخش‌های پایانی ویژگی پرهیزگاران را در ۲۳ مورد مطرح می‌نماید و در برخی موارد از احادیث بهره می‌گیرد. (ابن میثم، ۱۴۲۰ هـ ق، ج ۲،



روش ابن میثم در رسیدن به مقصد خطبه با بیان نکات بلاغی و انواع استعارات به کاررفته در آن بسیار مناسب بوده و با ذوق و طبع انسان ملائم است. وی در این روش به صورت منطقی، بحث را پرورش می‌دهد

و برای تقویت آن از آیات، احادیث بهره می‌گیرد به طوری که جای هرگونه شک و شبهه‌ای را از میان می‌برد. به عبارت دیگر در هر بخش از خطبه چنان به بحث می‌پردازد که در ضمن مبهوت ماندن از کنایات استعارات به کاررفته، پیام مخاطب و نکته اصلی را دریافت می‌نماید. اگر در مورد خلقت انسان و لحظه جان دادن و مرگ بحث می‌کند، یا در مورد تقوی و یادآوری نعمت‌ها و یا در مورد عبرت از گذشته، ذهن خواننده را با خود همراه می‌نماید.

خطبه غراء در تفسیر نهج البلاغه علامه جعفری هشتاد و سومین خطبه بوده که کل خطبه را در ۱۰ محور تنظیم نموده است. (صفات خداوند، وصیت به تقوی، برحذر داشتن از دنیا، برانگیخته شدن و حیات بعد از مرگ، تنبیه مردم، فضیلت متذکر ساختن انسان‌ها، تذکر به انواع نعمت‌ها، بر حذر داشتن از هول و خطر صراط، سفارش به تقوی، توصیف خلقت انسان)

وی بعد از ترجمه‌ای که از کل خطبه ارائه داده، به تفسیر عمومی آن می‌پردازد. وی می‌گوید: امیرالمؤمنین در این خطبه درباره مسائل انسان از جهات متعدد و با نظر به موجودیت او که دارای استعدادها و قوای متنوع است، مطالبی را بیان فرموده است، وی به عنوان انسان کامل به انسان دارای سطوح گوناگون می‌پردازد. راه پی بردن به انسان‌شناسی کامل آن حضرت در دو صحنه «انسان آن چنانکه هست» و «انسان آن چنانکه باید» تجلی می‌یابد و چون در میان مردم بوده و حالات آن‌ها را درک نموده، به تمام ابعاد و نهاد آن‌ها آشناست. (محمدتقی جعفری، ۱۳۸۵ هـ ش، ص ۵۵)

علامه در این شرح به مباحث فلسفی پیرامون انسان می‌پردازد و از شعر، داستان، تاریخ و ... به عنوان شاهد استفاده می‌نماید. به عنوان نمونه از جریان حضرت امام حسین علیه السلام جهت هدف‌گیری عالی انسان، بهره می‌برد.

(محمدتقی جعفری، ۱۳۸۵ هـ ش، ص ۸۵)

برای توضیحات بیشتر، از پاورقی استفاده نموده و در تأیید مطالب فلسفی خود، مانند خلقت انسان، روح انسان و ماهیت او، از آیات قرآن مدد می‌گیرد. در برخی موارد طرح سؤال می‌کند و این سبب برانگیخته شدن مخاطب جهت پیگیری مطالب می‌گردد. از جمله، آیا طبیعت انسان از دیدگاه اسلام قابل شناخت و تعریف است؟ استعدادهای ذاتی

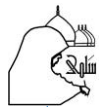


انسان را با توجه به قرآن و کلام امیرالمؤمنین در محورهای زیبا بیان می‌کند؛ (انسان فرزند آدم، فطرت اولیه انسان پاک و دارای استعداد کمال است و ...)

آنجا که به حقوق حیوانات در اسلام می‌پردازد از کتاب‌های فقهی و حدیثی استفاده می‌کند مانند آنکه (شکار جوجه پرندگان در آشیانه، مادامی که به پرواز درنیامده حرام است؛ زیرا جوجه در آشیانه در پناه خداست) (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ج ۱۶، ص ۲۴۱)

در رابطه با خلقت برحق به تفسیری مختصر می‌پردازد که هرچند خداوند آفریده، حق با بر مبنای حق است. در این رابطه، ابتدا از آیات مربوط مدد گرفته « وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ » (انعام / ۷۳) سپس به تبیین حق و حقوق می‌پردازد. از طرح مباحث جامع پیرامون ابعاد و ماهیت انسان از منظر روانشناسی اسلامی، به بحث پیرامون روان انسان، طرق رشد و تکامل آن می‌پردازد؛ در این زمینه نیز، با مطرح کردن سؤالات زیبا و درخور توجه، به منبع اصیل قرآن تمسک کرده و به بررسی دیدگاه‌های مفسرین می‌پردازد و از اشعار متناسب با مطالب استفاده نموده و ۲۲ مورد از طرق تکامل روح را بیان می‌دارد؛ برخی از موارد مانند اصل از خود برای خود برخوردار شوید، میزان قراردادن خویشتن در ارتباط با دیگر انسان‌ها، همت عالی و ... که برای تبیین هر مورد، از قرآن و شعر مدد گرفته است. (محمدتقی جعفری، ۱۳۸۵ هـ. ش، ص ۳۲۵-۱۹۲)

در انتها قوانین من یا روح را که ضروری است بیان می‌دارد که در چهار محور رابطه انسان با خود، با محیط و اجتماع، با جهان هستی و با خالق است که هرکدام نیز دارای زیرمجموعه‌های متعددی است. مثلاً در رابطه انسان با خود، محورهای آگاهی والا به اینکه انسان جزئی از هستی هدفدار است، پذیرش لزوم مالکیت بر خویش جهت توانایی رشد روح، فریب ندادن خویشتن در ارتباط با حق و باطل، بهره‌برداری هرچه بیشتر از استعدادهای مثبت و ... در انتها نیز با ۲ بیت شعر آن را به اتمام می‌رساند. علامه، در این شرح، محور را انسان قرار داده و به نظر می‌رسد با توجه به اینکه تمام مباحث مطرح شده در این خطبه به‌گونه‌ای با انسان (از آغاز تا انجام) در ارتباط است، لذا باید به تمام ابعاد وجودی آن پرداخت. البته ایشان در جایی می‌گویند: پرداختن به حیات انسانی با نظر به مجموع قلمرو شئون انسانی، حیات انسان، ام‌المسائل است. ولی گاهی بحث‌ها به صورت استطرادی بوده و ممکن است سبب خستگی ذهن مخاطب گردد. بعد از بیان مطالب بسیار گسترده در رابطه با ماهیت و ابعاد وجود انسان، به بحث پیرامون فراهی خطبه



پرداخته و به تناسب از اشعار، احادیث و آیات بهره برده است؛ این روش علامه برای افراد دارای ذوق فلسفی بسیار مفید بوده چراکه علامه به اهم مورد در خطبه، یعنی انسان به صورت فلسفی و روان‌شناختی بحث نموده است.

مکارم شیرازی، یک نگاه کلی از خطبه داشته و این خطبه، هشتاد و سومین خطبه در پیام امام است که بعد از ذکر سبب نزول آن را به ۱۲ بخش تقسیم نموده است (اوصاف الهی، دعوت به تقوا، نکوهش دنیا، سخن از معاد، آغاز و انجام زندگی، تقوی، نعمت‌ها، بیداری دل و عقل، تقوی، آفرینش انسان، تنبیه و هشدار مردم، عبرت از گذشته)

وی هر بخش را بعد از ترجمه، تفسیر می‌کند که هر بخش دارای محورهایی بوده که برگرفته از مفهوم خطبه است. ایشان هر محور را به صورت روان و ساده توضیح می‌دهد. از آیات قرآن برای تأیید مطالب استفاده می‌نماید. در پاورقی به توضیح لغوی برخی لغات می‌پردازد. مانند کلمه «الرّیاش» می‌گوید: این کلمه از ماده «ریش» به معنای پره‌های پرندگان بوده و سپس به لباس‌های فاخری که شباهتی به پره‌های پرندگان دارد اطلاق شده است. (ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ هـ ش، ص ۳۴۱)

برخی مباحث نحوی را نیز در پاورقی ذکر نموده است. در برخی اوقات، شبهاتی را مطرح و به آن پاسخ می‌دهد. مانند شبهه آکل و مآکول که به مسئله معاد و شبهات پیرامون آن مرتبط است. (ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ هـ ش، ص ۳۶۶)

برخی محورها، به جهت تشویق و ترغیب مخاطب به صورت سؤالی مطرح گردیده است. مانند: از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم؟ (ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ هـ ش، ص ۳۷۰)

به طور کلی پیام امام دارای یک نظم منطقی و متن روان بوده که متناسب با همه افراد و اقشار جامعه بوده و ذهن مخاطب را با خود دنبال می‌کند و پیام اصلی هر بخش و در مجموع خطبه را به او منتقل می‌نماید.

نتیجه

نهج البلاغه، از مهم‌ترین کتاب‌های مورد توجه و تأکید تمامی مسلمانان است. این کتاب شریف دربردارنده سخنان و نامه‌های امام اول شیعیان بوده که در میان مسلمانان شیعی مذهب، بعد از قرآن، مهم‌ترین کتاب دانسته شده و در بین اهل تسنن نیز همواره مورد توجه علمای بزرگ اهل سنت بوده است. بر این کتاب، شروح متعددی نوشته شده



که از ابعاد مختلف، با توجه به تخصص شارحان مورد بررسی قرار گرفته است. خطبه الغراء از خطبه‌های مهم و بااهمیت در نهج‌البلاغه است. ابن میثم در شرح خود، به لحاظ ادبی و فلسفی آن را تبیین نموده است. پیام امام مکارم شیرازی و ترجمه و تفسیر علامه جعفری از شروح فارسی بوده که در پیام امام با نثری روان و در تفسیر علامه جعفری بیشتر از جنبه فلسفی و ماهیت ابعاد انسانی مورد توجه قرار گرفته است. پرداختن به شرح سخنان امام به صورت تخصصی، می‌تواند زمینه بهتری را برای خوانندگان با توجه به علائق آن‌ها فراهم نماید.



حوزه علمییه حضرت عبدالعظیم ع. خواهران

- ۱- آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، بیروت، ۱۳۸۴ هـ ق.
- ۲- بحرانی، سلیمان بن عبدالله، السلفه البهیه فی الترجمة المیثمیه، ۱۴۰۶ هـ ق.
- ۳- جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ هـ ش.
- ۴- حسینی خطیب، عبدالزاهراء، مصادر نهج البلاغه و اسانیده، دارالاضواء، بیروت.
- ۵- خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، دارالاسلامیه، بیروت، ۱۴۱۱ هـ ق.
- ۶- شوشتری، محمدتقی، بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، موسسه نهج البلاغه، تهران، ۱۴۱۸ هـ ق.
- ۷- عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ هـ ق.
- ۸- غلامعلی، احمد، شناخت نامه نهج البلاغه، سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، تهران، ۱۳۸۹ هـ ش.
- ۹- مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب، انتشارات خیام، ۱۳۶۹ هـ ش.
- ۱۰- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، پیام امام امیرالمؤمنین، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ هـ ش.
- ۱۱- پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم شیرازی makarem.ir
- ۱۲- سایت بیتوته [www](http://www.bitoote.com)

